گزارشی تکان‌دهنده از خرید و فروش نوزادان

بخش اجتماعی- پسر حدود ۵۰میلیون تومان، دختر حدود ۷۰ تا ۸۰میلیون تومان. قیمت کودک و نوزاد خیلی متفاوت است. نوزادها از کودکان گران‌تر هستند؛ آن هم اگر نوزاد دختر باشد. خرید و فروش نوزاد می‌کنند؛ آن هم به‌طور حرفه‌ای. چت می‌کنند و شماره می‌دهند، ارسال چند تا عکس، واریز پول و در آخر تحویل نوزاد.

به گزارش ایسنا، شهروند در ادامه می نویسد: «خرید و فروش نوزادان در اینستاگرام جنجال به پا کرده. حکایت نوزادانی که پس از به دنیا آمدن فروخته می‌شوند، حکایت دردناکی است. کودکانی که ناخواسته وارد این دنیا شده‌اند تا پول سیاهی برای پدر و مادرشان شوند. این گوشه‌ای از ماجرای عجیب‌وغریبی است که این روزها در فضای مجازی شاهد آن هستیم؛ هرچند پلیس فتا بسیاری از این افراد را شناسایی و دستگیر کرده است اما گویا ماجرا همچنان ادامه دارد.

شاید تا چند دهه قبل زوج‌هایی که صاحب فرزند نمی‌شدند، تنها یک راه داشتند آن هم به سرپرستی گرفتن یک کودک بی‌سرپرست بود. اما این روزها با پیشرفت تکنولوژی و روی کار آمدن راه‌های درمانی، بسیاری از زوج‌ها می‌توانند طعم شیرین پدر و مادرشدن را بچشند. اما متاسفانه کار به اینجا ختم نمی‌شود و گاهی اوقات حتی از دست علم پزشکی هم برای این که زوج‌ها بتوانند صاحب فرزند شوند، کاری برنمی‌آید. درست اینجای ماجراست که پای سودجویان و تبهکاران به میان می‌آید. همان دسته از تبهکارانی که همیشه در کمین نشسته‌اند تا از آب گل‌آلود به نفع خود ماهی بگیرند.

از برگه روی دیوار تا تبلیغ در فضای مجازی

ماجرای فروش نوزادها، ماجرای دردناکی است که غم بزرگی در آن نهفته است. قدیم‌ترها گاهی اوقات روی در و دیوار شهر برگه‌هایی را نصب می‌کردند که نوشته شده بود، نوزادفروشی. اما حالا این برگه‌ها کمتر دیده می‌شود و آگهی فروش نوزادان سر از فضای مجازی درآورده است. کافی است نگاهی بیندازید و با سرچ چند کلیدواژه و هشتگ به خواسته مورد نظرتان برسید. هشتگ واگذاری نوزاد یا سرپرستی نوزاد. آن موقع است که با دنیایی از عکس و مطلب روبه‌رو خواهید شد. چهره نوزادان و کودکان معصومی در مقابل چشمان شما نقش می‌بندد که مانند کالایی باارزش قیمت‌گذاری شده‌اند و خریدار حق انتخاب دارد. جای تخفیف هم گذاشته‌اند. کافی است با یکی از این دلالان فرشته‌ها وارد معامله شوید تا شما را به قبول سرپرستی یکی از این نوزادها قانع کند. آن قدر مهندسی معکوس را خوب آموخته‌اند که شما مجاب خواهید شد همه کارها با روال قانونی پیش خواهد رفت و کوچک‌ترین مشکلی برای شما و فرزندی که قرار است به سرپرستی بگیرید رخ نخواهد داد.

یک خرید واقعی

تا قبل از این هر چه دیدیم و شنیدیم از گفته‌ها و گزارش‌های دیگران بوده. اما برای این که به اصل ماجرا برسیم و با واقعیت از نزدیک آشنا شویم، تصمیم گرفتیم برای خرید یک نوزاد دختر با فردی که خود را مسئول واگذاری نوزادها معرفی کرده بود، وارد معامله شویم.

بخش اول: پیدا کردن سوژه

برای پیدا کردن یک فروشنده باید کمی از فضای مجازی و کارکردن با آن سر دربیاوریم. نه می‌توان گفت کار آسانی است و نه کار بسیار سخت و دشواری. یک صفحه شخصی در اینستاگرام راه‌اندازی کردم با نامی مجعول به نام هیچ در هیچ. حالا باید در فضای مجازی جست‌وجو می‌کردم. چند کلیدواژه و چند هشتگ. سرانجام به یکی از صفحه‌هایی که مورد نظرمان است، می‌رسیم. حالا وارد فاز بعدی ماجرا می‌شویم، برقراری ارتباط با فروشنده. هرچند از ظاهر صفحه مورد نظر شما به‌عنوان یک دنبال‌کننده به هیچ عنوان متوجه نخواهید شد که گرداننده این صفحه کیست و در چه حوزه‌ای کار می‌کند اما وقتی سری به استوری‌های این صفحه می‌زنید، با آگهی‌هایی روبه‌رو می‌شوید که نشان می‌دهد اصل ماجرا فروش نوزادان است.

بخش دوم: ارتباط با فروشنده

حالا وقت آن رسیده که با فردی که خود را فروشنده معرفی کرده است، ارتباط برقرار کنیم. خودم را زن جوانی معرفی کردم که در به دنیا آوردن نوزاد مشکل دارد و همین موضوع باعث شده در زندگی با همسرش با مشکلات زیادی روبه‌رو شود. زن جوانی که برای بچه‌دار شدن همه تلاش خود را کرده و هر دارو و درمانی که فکرش را بکنید، انجام داده، اما سرانجام به هیچ نتیجه‌ای نرسیده است. حالا این زن جوان تصمیم گرفته از طریق فضای مجازی با فردی که خود را فروشنده معرفی کرده است، وارد صحبت و معامله شود.

در ادامه گفت‌وگوی من با یکی از فروشندگان فرشته‌ها را می‌خوانید.

سلام، می‌شود شرایط را برای واگذاری به من بگویید. من و همسرم یک پسر می‌خواهیم. چند لحظه بعد با این پیام روبه‌رو شدم:

سلام هزینه اش ۵۵میلیون تومان. ولی سن و زمان ازدواجتون عرف باشه ۷۵میلیون تومان به نام خودتون.

من و همسرم متولد ۶۹ هستیم. چند ساله ازدواج کردیم اما بچه‌دار نمی‌شویم. این موضوع مشکلات زیادی برای ما به وجود آورده، مخصوصا از طرف خانواده همسرم.

ششم تیرماه یک عمل زایمان داریم. اگر اوکی هستید در خدمتم.

مبلغ خیلی بالاست جای تخفیف هم دارد؟ باید ماشین زیر پای مان را بفروشیم تا بتوانیم هزینه را پرداخت کنیم. نحوه پرداخت به چه صورت است؟

پنج میلیون بزنید به اسم و مشخصاتی که برایتان ارسال‌می‌کنم. امروز این خانوم باردار به اسم شما میرود سونوگرافی، زمان زایمان مدارک خودتان را می آورید و بستریش می‌کنیم. بعد از زایمان هم همسرتان باید ترخیصش کند.

شما تهران هستید؟ و باید برای تحویل بچه بیاییم تهران؟

بله.برای بعدازظهر باید نوبت سونوگرافی بگیرم. اوکی بودید با این شماره ۰۹۳۳۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰ تماس بگیرید. بیعانه بزنید. من بیمارستانم آنلاین نیستم.

بله حتما. ما مشکلی نداریم، داشتم به همسرم حرفهای شما را می‌گفتم.

خدا را شکر.

فقط همسرم می‌گوید نکند خدای نکرده ۵میلیون تومان پرداخت کنیم و بعد کلاهبرداری باشد و بچه‌ای تحویلمان ندهند، چون ما باید ماشین مان را بفروشیم.

نه فدای شما.

به خدا خیلی تو این زندگی بدبختی کشیدیم.

اتفاق خوب همین بعدازظهر می افتد. به اسم شما میرن سونوگرافی بعد تا زایمان.

ممنونم. خدا برایتان خیر بخواهد. به همسرم می‌گویم بیفتد دنبال جورکردن این پول.

قربانت عزیزم. می‌خواهی آشناتان کنم با خانوم هایی که الان چهار ماه رزرو کردم و برای مرداد تا شهریور زایمانشونه. من می‌دانم چقدر سخت است. دعام می‌کنید. واریز کردید خبر دهید من نوبت سونو بگیرم.

گزارش به پلیس فتا و آغاز یک پرونده پلیسی

این بخشی از گفت‌وگو با فروشنده نوزاد بود. نوزادی که قرار است چند روز دیگر پا به دنیای خاکی بگذارد و مادرش به هزارویک دلیل قصد دارد او را به فروش برساند. اما این پایان ماجرا نبود. اسکرین‌شات گفت‌وگوهایم را برای پلیس فتا ارسال کردم. به این ترتیب پرونده‌ای در این‌باره آغاز شد و کارآگاهان پلیس فتا با در دست داشتن اطلاعاتی که در اختیارشان قرار دادیم، تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند.

چند ساعت بعد

شما گزارش به فتا دادید.

سلام خانوم نه.

یکی رفته گزارش من و داده برای همین.

این پایانی برای گفت‌وگوی من با یک فروشنده نوزاد بود. البته برای آن روز و فردا صبح دوباره با دو پیام روبه‌رو شدم که حاوی دو عکس بود. عکس از یک نوزاد

پسر که در حال خندیدن است و در ادامه این متن پیام. (این پسر هم هست. مشهد ۴۸ میلیون.)

عملیات پلیسی برای دستگیری فروشنده فرشته‌ها

این دو عکس و پیامی که به دنبال آن ارسال شد، آخرین پیامی بود که از فرد فروشنده به دستم رسید و پس از آن دیگر پیامی ارسال نشد. اما در این هنگام کارآگاهان پلیس فتا همچنان در حال انجام تحقیقات کارشناسانه خود روی این پرونده بودند. پازل‌های مربوط به این پرونده توسط کارآگاهان پلیس فتا یکی پس از دیگری کنار هم چیده شدند تا این که یک روز بعد باخبرشدم کارهای پلیس به نتیجه رسیده است و کارآگاهان پلیس فتا با ردزنی‌هایی که انجام داده بودند، موفق به شناسایی فرد مورد نظر شدند. به گفته پلیس فتا فرد فروشنده مردی جوان و ساکن یکی از شهرستان‌ها بود. هرچند با پیگیری مأموران پلیس فتا این فروشنده فرشته دستگیر شد اما هنوز به فکر آن نوزادی هستم که قرار بود چند روز دیگر به دنیا بیاید یا همان نوزاد پسری که چهره با لبخند او را برایم ارسال کرده بود. انگار دست‌هایی پشت پرده ماجرا قرار دارد که به راحتی می‌توان کودک مورد نظر را دید و خریداری کرد. اما نباید فراموش کنیم این فرشته‌های خدا قابل فروش و معامله نیستند و هیچ قیمتی نمی‌توان روی آنها گذاشت.

از دستگیری باند فروش نوزاد تا اعترافات متهمان

تابستان امسال بود که دوباره ماجرای خرید و فروش نوزاد آن هم در فضای مجازی به‌خصوص اینستاگرام خبرساز شد. مطبوعات و خبرگزاری‌ها به این ماجرا واکنش نشان دادند. خبرهای منتشرشده حاکی از آن بود که فرد یا افرادی در فضای اینستاگرام عکس کودکانی را با سن و سال‌های متفاوت از نوزاد تا خردسال منتشر کرده و برای هر کدام از آنها قیمتی گذاشته‌اند. اعضای باندی که در فضای مجازی اقدام به خرید و فروش نوزاد می‌کردند از سوی پلیس فتای تهران منهدم شدند. این اولین خبری بود که از این اتفاق در مطبوعات و خبرگزاری‌ها منتشرشد. سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت درباره شناسایی باند فروش نوزادان در فضای مجازی اظهار کرد: «با توجه به این که وظیفه پلیس کنترل فضای مجازی است و پلیس فتا هم اقدامات خوبی را در این زمینه انجام داده است، ما توانستیم به سرعت سرنخ‌هایی از این گروه پیدا کنیم.»

پلیس فتا در گشت‌زنی‌هایی که در فضای مجازی داشته است، با صفحاتی مواجه شده است که در آنها آگهی‌های خرید و فروش نوزاد را منتشر کرده بودند. از این رو با توجه به حساسیت ویژه این پرونده، کارآگاهان پلیس فتا مأموریت پیدا کردند تا هرچه سریع‌تر پرده از راز این ماجرای هولناک بردارند. ماجرای فروش نوزادان در فضای مجازی آن قدر عجیب و دردناک بود که روحیه مردم را جریحه‌دار کرد، به همین علت همزمان با آغاز تحقیقات پلیس بود که تعداد بسیاری از مردم نیز با تماس‌هایی که با پلیس داشتند، از این اتفاق و دیدن این آگهی‌ها ابراز نگرانی و از پلیس درخواست کردند هرچه سریع‌تر با عوامل این کار غیر انسانی برخورد کنند.

دستگیری متهمان پرونده

تحقیقات گسترده مأموران پلیس ادامه داشت تا این که سرانجام همه سرنخ‌ها به یک مرد جوان رسید. با سرعت عمل بالای پلیس مخفیگاه متهم و همدستان او در نقاط مختلف شناسایی شد و همه اعضای باند در چند عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند. در همان تحقیقات اولیه مشخص شد مرد جوانی که سردسته باند است، ۱۰ تا ۱۵ صفحه مجازی داشته که تمامی این صفحات حقیقی بوده و از این طریق اقدام به فروش نوزادان می‌کرده است.

ماجرای شناسنامه‌دار کردن نوزادان دروغ است

یکی از ترفندهای متهمان این نوع پرونده‌ها برای ترغیب خانواده‌هایی که به دنبال سرپرستی نوزادان هستند، دادن ضمانت برای گرفتن شناسنامه نوزادان با نام خانوادگی پدر و مادر جدید است، موضوعی که سردار حسین رحیمی به آن واکنش نشان داد و اظهار داشت: «در اکثر این پرونده‌ها شاهد هستیم که متهمان مدعی هستند بعد از فروش نوزادان می‌توانند برای این کودک شناسنامه بگیرند و هیچ مشکلی وجود ندارد، اما این کار غیر قانونی بوده و به هیچ عنوان نه این فرد و نه فرد دیگری نمی‌تواند برای نوزادی که به این صورت خرید و فروش می‌شود، شناسنامه بگیرد.»

آینده‌ی تیره کودکان خریداری شده

همیشه باید به فکر آینده بود. با خرید نوزاد چه آینده‌ای به این کودکان هدیه خواهیم داد. دکتر سمیرا دهقانی، روانشناس درباره آسیب‌هایی که این کودکان در آینده خواهند دید، به «شهروند» می‌گوید: «بدون شک این کودکان خریداری‌شده پی به حقیقت ماجرا می‌برند و دچار بحران هویت می‌شوند.» از نظر روانشناختی این افراد با افسردگی، اضطراب و حس تعارض و گم‌گشتگی روبه‌رو خواهند شد که نه‌تنها در زندگی فردی بلکه در زندگی اجتماعی آنها نیز تأثیر بسزایی می‌گذارد. بیشتر این افراد وقتی درجریان اصل ماجرا قرار می‌گیرند، برای پیداکردن والدین اصلی خود اقدام می‌کنند که همین مسأله استرس مضاعفی را به آنها وارد می‌کند و این استرس و حس تعارض تا زمانی که والدین خود را پیدا نکنند، از بین نخواهد رفت. اگر والدین‌شان را پیدا کنند ولی آنها از دنیا رفته باشند، این فرد تا پایان عمر با سوال‌های بی‌پاسخی روبه‌رو می‌شود که در سلامت روانی او تأثیرگذار است. از آن‌طرف اگر والدین آنها زنده باشند، هرچند شاید بتوانند راحت‌تر با این موضوع کنار بیایند اما قبول خانواده جدید یا ادامه رابطه عاطفی با خانواده قبلی مشکلات و مسائل مربوط به خود را به همراه خواهد داشت. از نظر روانشناسی توصیه می‌کنیم این دست از خانواده‌ها در درجه اول به هیچ‌عنوان برای انتخاب فرزند از این روش استفاده نکنند اما درصورتی که از این طریق سرپرستی فردی را به عهده گرفتند، بهتر است از همان ابتدا کودک تحت نظر روانشناس باشد تا در زمان مشخص این موضوع را با او در میان بگذارد. آسان‌ترین راه لزوما بهترین راه نیست. قبل از انجام هر کاری بهتر است پیامدهای آن را بررسی کنیم تا آسیب کمتری به اطرافیان وارد کنیم.

خرید و فروش نوزاد در قانون

خریدوفروش نوزادان و کودکان در قانون جمهوری اسلامی ایران جرم تلقی می‌شود و قانونی با عنوان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۹ ماده به تصویب رسیده است که متأسفانه اشاره صریحی جهت خریدوفروش غیرقانونی به آنان نشده است تا ضمانت اجراهایی را در پی داشته باشد. لکن در ماده ۳ قانون بیان شده است که هرگونه خریدوفروش و بهره‌کشی از کودکان به جهت اعمال خلاف مانند قاچاق و... شخص مرتکب به ۶ماه تا یک‌سال حبس یا پرداخت ۱۰میلیون ریال تا ۲۰میلیون ریال محکوم خواهد شد.

البته نکته حایز اهمیت آن است که اداره کل حقوقی قوه‌قضائیه در نظریه مشورتی در خصوص پدران و مادرانی که طفل خود را در اختیار دیگری قرار داده و در قبال وجهی را دریافت می‌کنند و فرزندخواندگی اتفاق می‌افتد، بیان داشته است که این مورد نیز مشمول ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ بوده و هرگونه خریدوفروش و بهره‌کشی جرم محسوب می‌شود و ضمانت اجرای کیفری را به دنبال خواهد داشت. اما باید این نکته را در نظر داشت که بسیاری از افراد برای دورزدن قانون، از الفاظی چون هدیه و اهدای نوزاد استفاده می‌کنند تا مشمول این ماده نشوند و از این رو خلأ قانونی به‌شدت در این حوزه احساس می‌شود. شخصی که نوزاد را خریداری کرده است نیز، می‌توان برحس تعاریف آدم‌ربایی تلقی کرد و او را مورد تعقیب قرار داد؛ چراکه طبیعت و ذات آدم‌ربایی آن است که وقتی شخصی توسط شخص دیگری ربوده می‌شود، از حقوق انسانی خودش محروم شده، حتی اگر که این کودک در مقابل مبلغی فروخته شود و در اختیار ثالثی قرار گیرد.»

حوادث

اظهارات متناقض متهمان درباره قتل زن مطلقه

رویا را با روسری خفه کردند

بخش اجتماعی- رسیدگی به این پرونده از شامگاه بیست و چهارم شهریور سال ۹۶ همزمان با کشف جسد زنی جوان در حاشیه پارک چیتگر آغاز شد. تیم جنایی با حضور در محل دریافتند زن جوان خفه شده و به قتل رسیده است.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی هویت مقتول و شناسایی قاتل ادامه داشت، مأموران ساعتی بعد مرد جوانی را که در همان حوالی کنار یک دستگاه پراید ایستاده و رفتار مشکوکی داشت، دستگیر کردند.

مسعود ۳۰ ساله مدعی شد ماشین متعلق به یکی از دوستانش است اما در استعلام خودرو پراید مشخص شد متعلق به زن جوانی به نام رویا است. شواهد نشان می‌داد زن جوان با مسعود در رابطه بوده و همان شب به طرز مرموزی ناپدید شده است. با تکمیل تحقیقات نیز روشن شد جسد زن ناشناس که در حاشیه پارک چیتگر کشف شده متعلق به رویا است. با افشای این ماجرا مسعود لب به اعتراف گشود و پرده از جنایت برداشت.

مسعود گفت: مدتی قبل با رویا آشنا شدم. او زنی مطلقه و پولدار بود که می‌خواستم با او ازدواج کنم اما دو نفر از دوستانم به نام‌های ارسلان و امان که افغانستانی هستند نقشه کشیدند تا از رویا سرقت کنند. روز حادثه با رویا به چیتگر رفتیم. امان و ارسلان که قصد سرقت پول‌ها و گوشی موبایل او را داشتند، با رویا درگیر شدند و با روسری او را خفه کردند. من هم سوار خودروی رویا شدم و آنجا را ترک کردم اما چون رانندگی بلد نبودم به ناچار توقف کردم که مأموران گشت پلیس رسیدند و مرا دستگیر کردند.

به دنبال اظهارات این مرد دو همدستش نیز ردیابی و بازداشت شدند. اما چند روز بعد مسعود ادعا کرد خودش به تنهایی رویا را کشته و امان و ارسلان در این ماجرا دستی نداشته‌اند.

به این ترتیب مسعود به اتهام قتل و امان و ارسلان به اتهام مباشرت در سرقت در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.اما در دادگاه مسعود اظهارات جدیدی را مطرح کرد.

وی گفت: من رویا را نکشتم. در بازداشتگاه امان مرا کتک زد و تهدید به قتل کرد. او چکی به من داد که مجبور شدم قتل را گردن بگیرم. اما حالا می‌خواهم واقعیت را بگویم. امان به تنهایی روسری را دور گردن رویا پیچید و او را کشت.

سپس امان به دفاع پرداخت و گفت: مسعود دروغ می‌گوید. او خودش به تنهایی رویا را کشت و ماشین را سرقت کرد. ارسلان نیز که با قرار وثیقه آزاد بود، گفت: من قبلاً هم در بازجویی‌ها گفته بودم در این ماجرا هیچ دخالتی نداشتم. من فقط همراه امان به پارک چیتگر رفته بودم. با پایان اظهارات ضد و نقیض متهمان، قضات ادامه جلسه را به بعد موکول کردند تا تحقیقات درباره این پرونده تکمیل شود. در جلسه دوم دادگاه فقط مسعود و امان به اتهام قتل بار دیگر پای میز محاکمه ایستادند و اولیای دم برای متهمان حکم قصاص خواستند. سپس دو متهم اظهارات قبلی‌شان را تکرار کردند و انگشت اتهام را به سوی یکدیگر نشانه رفتند. مسعود گفت: امان در غیاب من زن جوان را کشت و من از این ماجرا بی اطلاع بودم. اما متهم دیگر مسعود را دروغگو خواند و گفت او به تنهایی رویا را کشته است. بدین ترتیب با پایان یافتن جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

مرگ سارق در سقوط از پشت بام

بخش اجتماعی- مرد سابقه دار که از خانه پدری یکی از مدیران تلویزیونی سرقت کرده بود هنگام فرار از دست مأموران پلیس از پشت بام به پایین افتاد و جان باخت.

حدود دو هفته قبل مدیر یکی از شبکه‌های تلویزیونی ایران به پلیس زنگ زد و از سرقت خانه پدرش خبر داد. او گفت: من و پدر و مادرم و چند نفر از اعضای خانواده‌ام همگی در یک ساختمان زندگی می‌کنیم. امشب پدر و مادرم به میهمانی رفته بودند و من داخل خانه بودم که ناگهان از طبقه پایین صدایی شنیدم؛ چون پدر و مادرم خانه نبودند، با شنیدن صدا فوراً خودم را به طبقه پایین که محل سکونتشان بود رساندم اما با صحنه عجیبی مواجه شدم، در خانه شکسته بود و با ورود به خانه با بهم ریختگی و سرقت طلاها و دلارهای آنها مواجه شدم. با عجله خودم را به خیابان رساندم که متوجه شدم سه مرد در حال فرار هستند. آنها سوار خودروی پژویی شده و من هم چند لحظه‌ای آنها را با پای پیاده تعقیب کردم اما موفق نشدم. من طلاها و دلارهایم را در خانه پدر ی‌ام نگه می‌داشتم سارقان بیش از دو میلیارد تومان سرقت کرده‌اند. با شکایت مدیر تلویزیونی، تحقیقات از سوی مأموران پایگاه یکم پلیس پایتخت آغاز شد. در بررسی‌های اولیه کاراگاهان به سراغ دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت رفته و موفق شدند شماره پلاک خودروی پژو را به‌دست آورند. شماره پلاکی که نه تنها مالکش بلکه اعضای باند سرقت از منازل شمال پایتخت را به دام انداخت. سروش مرد سابقه‌داری بود که چندین بار به زندان افتاده بود و تاریخ آزادی اش نشان می‌داد که مدت کمی است که از زندان آزاد شده است. به گزارش دیارمیرزا با هماهنگی بازپرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت، مأموران به سراغ سروش رفته و مرد سابقه دار را دستگیر کردند. سروش که راه را برای کتمان و انکار سرقت‌ها بی‌فایده می‌دید، به سرقت‌های سریالی با همدستی ۷ متهم دیگر اعتراف کرد و گفت: با اعضای باند در زندان آشنا شدم و در همان زندان هم بود که تصمیم گرفتیم بعد از آزادی سرقت از منازل را انجام دهیم. من و همدستانم شبانه به سراغ خانه‌های شمال تهران می‌رفتیم. خانه‌هایی را که چراغ هایشان خاموش بودند ، انتخاب می‌کردیم و زنگشان را می‌زدیم. اگر کسی در را باز نمی‌کرد به شیوه توپی‌زنی وارد خانه‌ها شده و سرقت را انجام می‌دادیم. سردسته ما شاهرخ است اما گاهی اوقات بدون اینکه به شاهرخ حرفی بزنیم من و دو نفر از اعضای باند که پدر و پسر هستند باهم به دزدی می‌رفتیم و وسایل سرقتی را تقسیم بر سه می‌کردیم. او ادامه داد: شبی هم که از خانه مدیر یکی از شبکه‌های تلویزیونی سرقت کردیم با همان پدر و پسر سه نفری برای سرقت رفتیم. البته من اصلاً نمی‌دانستم که خانه محل سرقت خانه یک مدیر تلویزیونی است.

فرار مرگبار

به‌دنبال اعتراف مرد سابقه دار تحقیقات برای بازداشت اعضای باند ادامه یافت؛ زمانی که مأموران برای دستگیری پدر و پسر سارق وارد عمل شدند، آنها سعی کردند که از طریق پشت بام خانه فرار کنند. در این فرار مأموران پدر را بازداشت کردند اما پسر جوان حین فرار از دست مأموران تعادلش را از دست داد و به پایین افتاد و این سقوط مرگ پسر جوان را رقم زد.بررسی‌ها نشان می‌دهد که متهمان تا کنون ۱۰ سرقت منزل در پرونده خود دارند و بررسی‌ها برای شناسایی شاکی‌ها ادامه دارد.

تاریخ انتشارآگهی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده

جلسه مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مصرف کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی گیلان به شماره ثبت ۱۵۶ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۱۵۹۱۴۹ راس ساعت ۱۰ صبح روز چهار شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۹ در محل شهرستان رشت – بخش سنگر – دهستان اسلام آباد – آبادی شهر صنعتی خیابان سوم – بن بست پردیس ۱ – پلاک ۶۵ نمازخانه ی شرکت مدیریت تولید برق گیلان برگزار می گردد. لذا از کلیه اعضاء دعوت می شود راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانید و یا وکیل/ نماینده خود را کتباً معرفی نمایید.

ضمناً به اطلاع می رساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی؛تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر۳رأی و هرشخص غیرعضوتنها یک رأی خواهد بود.و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی،می بایست به‌همراه نماینده خود حداکثر تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت، برگه ورود به مجمع را دریافت دارند.

داوطلبین عضویت در سمتهای هیئت مدیره و بازرسی باید واجد شرایط زیر باشند:

۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

۲- ایمان و تعهد عملی به اسلام (در تعاونیهای متشکل از اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی تعهد عملی به دین خود

۳- دارا بودن اطلاعات یا تجربه لازم برای انجام وظایف متناسب با آن تعاونی

۴- عدم ممنوعیت قانونی و حجر

۵- عدم عضویت در گروه های محارب و عدم ارتکاب جرائم بر ضد امنیت و جعل اسناد

۶- عدم سابقه محکومیت ارتشاء اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی، ورشکستگی به تقصیر

دستور جلسه :

۱- قرائت گزارش کتبی هیئت مدیره و بازرس در مورد عملکرد و تغییرات سرمایه و اعضا

۲- طرح و تصویب ترازنامه و صورتهای مالی سال ۱۳۹۸

۳- طرح و تصویب بودجه پیشنهادی شرکت در سال مالی ۱۳۹۹

۴- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره بعلت اتمام دوره قانونی

۵- انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل بعلت اتمام دوره قانونی

۶- تعیین روزنامه جهت درج آگهی های قانونی شرکت

۷- تعیین خط مشی و برنامه آینده شرکت

داوطلبین تصدی سمتهای هیئت مدیره و بازرسی به موجب ماده ۲ دستورالعمل موظفند حداکثر ظرف یک هفته از انتشار آگهی دعوت فرم داوطلبی را تکمیل و تحویل دفتر تعاونی نمایند.

ضمنا چنانچه مجمع عمومی نوبت اول بدلیل عدم حصول حد نصاب قانونی رسمیت نیافت، مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت دوم در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۳ در همان محل و همان ساعت و با همان دستور برگزار می گردد.

هیئت مدیره شرکت تعاونی

مصرف کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی گیلان